

گاهشماري سنتي ساحل نشينان دريای مازندران

در شماره سوم نشریه سودمند (نقد و تحقیق) که در تابستان ۱۳۵۶ بوسیله انتشارات سحر چاپ شده، از آقای رحیم رضازاده ملک، مقاله‌ای با عنوان (یادداشت‌هایی درباره‌ی: گاهشماري سنتي ساحل‌نشینان کرانه جنوبی دریای مازندران) خواندم که در آن نکات زیر بنظم رسید.

۱- درباره کبیسه و اجرا نشدن آن در ایران، پس از اسلام نوشته:

"پس از چیره شدن تازیان بر ایران، در هر کجای ایرانزمین، و در میان هر یک از گروه‌های ایرانی پراکنده در جهان که گاه شماری قدیمی ایرانیان روایی داشت، همچون زرتشتیان ایرانی در هند که خبر آن به ما رسیده است، بر همان روش کهن، یعنی عدم اجرای کبیسه، مداومت داده و به تقویمی گردان دل خوش کردند"

یعنی ایرانیان، حتی پارسیان هند، پس از اسلام نیز مانند زمان ساسانیان کبیسه بکار نداشتند.

روشن است که این بی‌پایه است. نخست اینکه همه ایرانیان کشور یک گاهشماري همگانی و یکسان نداشته‌اند.

دوم اینکه با همه آشفته‌گي‌هایی که ساسانیان، بانگیزه‌های سیاسی و دینی، در تاریخها و حسابها و بسا چیزها پدید آوردند تا روزگار اشکانیان از آن راه نیز از یادها برود، رویهمرفته در زمان ساسانیان بدستور دین رسمی، کبیسه‌گیری میشده است. اما پس از اسلام ایران به علت‌های مختلف در گاهشماري‌های رسمی و شهری (نه گاهشماري‌های دهقانی) از کاربرد کبیسه خودداری شد.

تقی‌زاده در گاهشماري خود یکی دو علت آنرا یاد کرده و نوشته است:

"از ماخذ قدیمه عهد اسلامی و همچنین از مداومت عمل در قرون اولای اسلامی میدانیم که در موقع انقراض سلطنت ساسانیان، اندرگاه در آخر آبان ماه، ماه هشتم سال، بوده و هم در آنجا ماند. چه بعد از اسلام، عمل اجرای کبیسه که بقول دین‌کرت "همکاران، یعنی موبدان، با فرمان پادشاهی اجرا میکردند" دیگر اسبابش فراهم نبود و خلفا و سلاطین اسلام، حتی استدعای دهاقین ایرانی را راجع به عمل کبیسه،

اقتلا" برای موقع مالیات ، از ترس مخالفت آن با دین اسلام ، نمی پذیرفتند . تا وقتی که متوکل و بعد معتضد خلیفه عباسی ، محض انتظام عمل مالیاتی ، مجبورا " دست باین کار زدند و حتی معتضد سال ثابتی با کبیسه برقرار کرد . ولی آنهم کبیسه زردشتی نبوده و کبیسه رومی یعنی هر چهار سال یک روز بود ، که ترتیب اعمال مذهبی زردشتیان را بهم میزد ، و کاملاً " معمول نشد" ^۱

۲ - آقای رضا زاده ملک نوشته اند : " نام تیر ماه در اوستا Tistrya و در پارسی میانه Tistr آمده "

چنانکه پوراوود^۲ و تقی زاده^۳ نوشته اند تیشتر اوستائی که نام هشتمین یشت اوستا است ، ستاره شعری یمانی است که در زبانهای اروپائی Sirius گویند و از گروه ستارگان ثابت است . و با ستاره تیر یا عطارد ، که در اروپائی Mercure می نامند ، و از ستارگان رونده است ، یکی نیست ^۴

در نجوم قدیم فلک البروج را بدوازده خانه یا برج تقسیم میکردند و آن دوازده خانه را به هفت ستاره رونده میدادند . باین ترتیب که پنج ستاره رونده : تیر - بهرام - ناهید - زاوش - کیوان - هر یک دارای دو خانه و ماه و خورشید (که در قدیم جزء ستارگان رونده گمان میشد) هر یک دارای یک خانه بودند . بنابراین تیر که دو خانه از خانه های دوازده گانه را داشت همان ستاره عطارد و از سیارات بوده یکی شمردن ستاره ثابت و سیار نادرست است .

اشتباه آقای رضازاده ملک در این باره گویا از آنجا بوده که چون تیشتر یشت اوستا را تیر یشت هم می نامند و روز سیزده هر ماه در تقویم زردشتی تیشتر یا تیر نامیده میشده گمان کرده اند تیشتر نام اوستائی ماه تیر هم هست .

۳ - ماههایی که دیگران نامهایشان را از عوام شنیده در این سالها در کتابها و مجله ها بطور پراکنده نام برده اند ، و آقای رضازاده ملک بیشتر همان نوشته ها و گفته ها (نه همه آنها را) در مقاله خود نقل کرده تاکنون همواره بنام ماههای طبری و از آن کوه نشینان مازندران بوده اند . اما نویسنده نقد و تحقیق " همه جا آنها را گاه شماری و ماههای مازندرانی نامیده است . درست است که در طول تاریخ همه استان مازندران از کوه و جلگه گاهی طبرستان و زمانی مازندران نامیده میشد ، اما همچنانکه میان گیل و دیلم تفاوتی بوده و هست ، طبرستانها و مازندرانها ، بمفهوم کوهیان و جلگه - نشینان نیز بویژه در حفظ و کاربرد آداب و رسوم کهن تفاوتی داشته و دارند . از این رو نام درست گاه شماری مورد بحث ، طبری و متعلق به طبرستانیان بوده است . یک

نمونه از تفاوت میان طبرستان و مازندران را در عنوان یکی از کتابهای سید ظهیرالدین

مرعشی میتوان دید که نامش (تاریخ طبرستان و رویان و مازندران) است .

۴ - نویسنده ماههای سنگسری را هم جزء ماههای مازندارانی گمان کرده در حالیکه ماههای . مس مو - گوجو - نوسال - اوربا چنانکه از اسمشان پیداست جزء نامهای ماههای طبری نبوده ، مانند گویش سنگسری با آن تفاوت دارند .

۵ - با اینکه یکی از مآخذ مقاله اش (فرهنگ گیلکی) دکتر منوچهر ستوده بوده چون اطلاعی از گاهشماری دیلمی نداشته و نمیدانسته (بندبن) و (چوشل) کجا است ، ماههای دیلمی را هم مازندارانی شمرده و نوشته اند " منوچهر ستوده نام ماههای مازندارانی را چنانکه (در بندبن) و (چوشل) رواست ، با برابری آنها با ماههای رسمی ، در سال ۱۳۳۲ بشرح زیر بدست داده است . "

اول اینکه بندبن Banda-Bon و چوشل Coo-Shal چند آبادی در جنوب لاهیجان در استان گیلان ، در جنگل هستند که تا ده بیست سال پیش هر سال ، دامداران یکی دو ناحیه از کوهستان دیلم در زمستان بآنجا میآمده و میماندند که امروزه هم همانجا نشیمن دارند . از آنجا که گاهشماری کهن دیلمی و لغات و شعرها و مثلها و یادگارهای دیگر مردم دیلم میان گالش = Galesh ، هایاشبانهای کوهستان دیلم پیش از همه برجا مانده است ، از این رو ماههای یاد شده نزد دامداران آبادیهای بندبن و چوشل نامهای دیلمی هستند .

دوم اینکه ، اگر در فهرست نامهای ماههای گردآوری شده بوسیله منوچهر ستوده دقت میکردند میدیدند ماههای آریه - شریر - امیر - اول - دیر - برف نما - اسفندیار ، در فهرست نامهای ماههای طبری و جزء آنها نبوده و حکایت از گاهشماری دیگری دارد که گفتم دیلمی است . ۵

۶ - چون در کتابهای تاریخ طبرستان پسر اسفندیار - و تاریخ رویان اولیا الله آملی - و تاریخ طبرستان و رویان و مازندران سید ظهیرالدین مرعشی - و در یک کتیبه سندوق امامزاده زین العابدین مرعشی در ساری - و کتاب تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی - و کتیبه سر تربت سمام ، نام ماههای زردشتی و فارسی مانند : خرداد - تیر - آبان - آذر و . . . غیره آمده و در دنبال این نامهای فارسی گاهی کلمه قدیم ذکر شده ، آقای رضازاده ملک این اشاره و ذکر نامهای ماههای فارسی را دلیل وجود گاهشماری خاص این نواحی در این کتابها و جاها خیال کرده و نوشته اند .

" طبرستان (مازندران) از جمله نواحی است که گاهشماری قدیمی ایرانی در

آنجا روا بوده است. از این گاهشماری در تاریخ طبرستان ابن اسفندیار، تاریخ رویان اولیاء اللہ آملی و تاریخ طبرستان و رویان و مازندران سید ظهیرالدین مرعشی میتوان سراغی یافت. . . . کدام (گاهشماری قدیمی ایرانی)؟ اوستائی، هخامنشی، زردشتی فارسی، جلالی، طبری، سفدی، خوارزمی، دیلمی، سیستانی، کردی و . . . ؟

اگر منظور ایشان از گاهشماری ایرانی، نامهای ماههای فارسی زردشتی است، که این کار را پاره‌ای از مولفان فارسی نویس، مانند ناصر خسرو در سفرنامه‌اش^۶، و یا نویسندگان زبجها و تقویمها میکرده‌اند و این کاربرد، ویژه نویسندگان تاریخهای طبرستان و گیلان نبوده است.

اگر منظور نویسنده " نقد و تحقیق " این است که در کتابهای تاریخهای طبرستان و گیلان، از گاهشماری طبری یا مازندرانی، با همین نامهای کنونی‌اش یاد شده که مأخذ این ادعا نامعلوم است. زیرا در این کتابها از گاهشماری خاص طبری یا مازندرانی با همین نامها در هیچ جا ذکری نیست و دیده نشده که حتی یکبار نام: اونه‌ما - سیوما - ارکه‌ما - ملارما - کرج‌ما - هره‌ما - در آنها بکار رفته باشد.

البته معنی ایرادم این نیست که در زمان تألیف آن کتابها یا در قدیم گاهشماری خاص طبری در آنجا با همین نامها و رسمهای محلی کنونی وجود نداشته است. شک نیست که گاهشماریهای سنتی عوام طبرستان با نامها و اصطلاحات خاص طبری، مانند خود طبری، قدیم و رایج بوده و هست. اما مؤلفانیکه کتابهای خود را به فارسی مینوشتند جزء بلغت محلی، مانند زبجها و تقویمهای مکتوب و رسمی، طبعاً " به عادت معمول نظر به نامهای فارسی داشته‌اند. از این رو نامهای فارسی را نباید با نامهای ماههای گاهشماری محلی در آمیخت.

۷ - نویسنده در یک جانوشته: " نوروزهای طبری برابر اسفندماه گاهشماری ایرانی است " (ص ۸۵). نوروز ماه طبری مطابق فهرست منقول خود ایشان در تیر - مرداد تابستان بوده و هنوز هم هست نه در اسفند ماه. گویا منظور (نوروزهای بهیست و شش) طبری است که با اسفند ماه میخورد.

۸ - در جای دیگر آمده است: " تیرهای طبری برابر تیر ماه گاهشماری ایرانی است " (ص ۸۴). این نیز نادرست است. زیرا برابر فهرست نامهای ماههای طبری تیر ماه طبری در موسم پاییزه ماههای آبان - آذر میخورد و تا آنجا که سوابق نشان میدهد در موسم پائیز بوده است ولی تیر ماه فارسی در آغاز تابستان است.

۹ - با اینکه موضوع مقاله‌اش مربوط به ساحل‌نشینان کرانه جنوبی دریای مازندران است از گاهشماری طالشی و دیلمی و گهلی سخنی بمیان نیاورده. چنانکه گوئی از آستارا

تا استارآباد همه مازندران است .

۱۵ - مسئله سال گردان در گاهشماری کهن البرزیان : نویسنده نقد و تحقیق به پیروی از کسانی که در این چند دهه اخیر درباره گاهشماریهای سنتی ایرانی اظهار عقیده‌هایی کرده و داستان ترک کبیسه و پیدایش سال گردان را ، پس از اسلام در تقویم زردشتی فارسی به تقویمهای شبانی و روستائی ایران نیز تسری داده‌اند ، با قطعیت ، (چنانکه گوئی موضوع مثل دو دو تا چهار تا روشن و ثابت است) نوشته که در گاهشماری طبری ، یا بقول او مازندرانی ، سال گردان است .

چون این برداشت در اصل ناشی از دست نیافتن بر چند و چون گاه شماریهای ایرانی و خصوصیت‌های اجتماعی و اقتصادی و تاریخی مردم البرز کوه و کناره‌های دریای آن بوده و نادرست است ، در این مورد چند کلمه‌ای اشاره‌وار در زیر می‌آورم .

سال درست خورشیدی ۳۶۵ روز و نزدیک به یک چهارم روز است . در تعدادی از گاهشماریها که سال درست خورشیدی یا بهیژگی ، با رعایت کبیسه ، پایه و اساس حساب و زمان شماری نبوده ، سال یا سالهای دیگری کاربرد داشته‌اند که در سنجش با سال بهیژگی و سال طبیعی ، مدتشان کمتر و زمان درست فصلها و ماههایشان کوتاهتر میشده است ؛ اینگونه سالهای کوتاهتر را ، که سالهای ناقص و سالهای بدون انجام کبیسه‌اند ، سال سیار یا سال گردان اصطلاح کرده‌اند . سالهای گردان از قدیم میان اقوام کهن شناخته و کاربرد داشته‌اند .

در مقایسه سالهای گردان با سالهای طبیعی و بهیژگی ، دو ویژگی چشمگیر بوده است . یکی آنکه سالهای گردان ، مانند کوتاه شدن موعد پرداخت وام مدت دار بدهکار به بستانکار ، برای کارکنان دستگاههای طبقات فرا دست و باج بگیر دستاویزی بزبان طبقات فرودست بود تا زودتر از رسیدن غلات در موسم طبیعی خود ، بهره و باج بدهند . ویژگی دیگر سال گردان این بوده که هر دین نو پدید بکمک آن سال گردان با دین و آیین کهن جشنها و عیدهایش در اوقات معین در سال و ماه و روز خود بکار بسته میشده مبارزه میکردند چنانکه بهم خوردن آن حساب سال و ماه و روز قدیم ، خودبخود به سست کردن آن جشنها و عیدها ، که یادآور باورهای قدیم تر بودند ، کمک میکرد .

از آنجا که روستائیان و شبانان و مردم دور افتاده ایران در نگهداری باورهای پیشینیان پابرجاتر از دیگران بوده‌اند از این رو سال قرار دادی گردان در این زمینه نیز نمیتوانسته بسود آنها باشد .

پس فرو گذاشت کبیسه‌گیری که در سالهای دیوانی زردشتی پدید آمده بودند ، از سوی

دیگر، ابزار و بهانه تازه‌ای برای فشار فرادستان بر طبقات فرودست بویژه در پهنه کشاورزی شدند. اما با همه‌این، حسابها و سالهای قراردادی گردان، که مانند دستورالعملهای مالیاتی، در شهرها و در دیوان‌ها و دفاترها وجود داشتند، روستائیان، بویژه در جاهای دور افتاده و در البرزکوه، که سنتهای کهن در آنجاها از همه جا ریشه‌دارتر بوده‌اند، نه سالهای گردان را شناختند، و نه چنین حسابهای قراردادی با نیازهای طبیعی آنها سازگار بود و نه آنها را بکار بستند. زیرا فصل شخم و کشت و آبیاری و دورو خرمن را نمیشد و نمیشود مانند اعمال دیگر آدمی در هر فصلی از سال بکار بست و یا آثین پنجه را بنهم زد. از این رو روستائیان و شبانان بسیاری از جاهای ایران همچنان همان سال طبیعی خود را که با سال بهیزیکی یا سال درست خورشیدی برابر است بکار بسته و براه خود رفته و میروند و قیل و قال منجمان انواع گاهشماریها و حساب‌های قراردادی و ذهنی شهری را برای اهل دفتر و دیوان گذاشته‌اند. در این سالها که توجه به فرهنگ عامه زیاد شده و گاهشماریهای شبانی و روستائی، که یکی از عمده‌ترین مظاهر فرهنگ عامه است، در پژوهندگان کشتی بسوی خود پدید آورده، یکی از شیوه‌های داوری و برداشت نادرست درباره گاهشماریهای شبانی و روستائی کاربرد ضابطه‌ها و ملاکهای قراردادی و ذهنی طبقات فرا دست شهری، مانند حساب سال گردان، درباره این مردمان است.

سال طبیعی و نزدیک به بهیزیکی شبانان و روستائیان البرزکوه را با عینک سال گردان و معیار و ضابطه آن سنجیدن و درباره‌اش داوری کردن مایه سردرگمی است. چه اگر بر اثر اهمال کبسه سال روستائیان و شبانان گردان شده بود، در این هزار و چند صد سال باید نزدیک به یک بار هر یک از ماههای دوازده گانه و جشنهای قدیمی بنوبت دور زده در سال جای خود را در چهار فصل سال عوض کرده و دوباره بجای اول خود برگشته باشند. مثلاً "نوروز دیلمی و نرزه طبری که همواره در تابستان بوده و هست یک بار تابستان و پائیز و زمستان و بهار را دور زده و یا تیر ماسین زه دیلمی و تیر موسیزه طبری (که بمعنی تیرگان فارسی است) و موسمش همواره در پائیز بوده است، جا عوض کرده در همه ماههای سال قرار گرفته باشد. اما هیچ کس و هیچ نوشته‌ای چنین گردش و دوری را نشان نداده است.

دلایل تاریخی نیز موید این مطلب است. زیرا البرزبان و از آنجمله طبرستانیان، در زمان ساسانیان، بیش از آنکه زردشتی باشند، پیرو سنتهای پیشین خود بوده‌اند. و ساسانیان و موبدان زردشتی هم با آن مردم نظر خوب نداشته‌اند. و چنانکه معروف است یزدگرد سوم که با آن خواری و رسوائی از پیش عربان گریخت، بهمین ملاحظات

پناه بردن بالبرز کوه را نپذیرفته بخراسان رفت. عربان و مسلمانان تا نزدیک به دوسده نتوانستند بر سرزمینهای البرز کوه چیره شوند. در چنین شرایطی چگونه میشود پذیرفت شبانان و روستائیان البرز کوه با مرگ یزدگرد سوم ساسانی و برافتادن فرمان روائی موبدان زردشتی نخواسته و یا نتوانستهاند سال خود را درست و طبیعی نگه دارند و در نتیجه سالشان گردان شده باشد؟

گاهشماری نیز بنوبه خود ابزاری برای برآوردن نیازمندیهای مردمان است. سال گردان کدام نیاز روستائیان و شبانان را برآورده و چه سودی برایشان داشته که خود را در کلاف سر در گم آن گیر بیندازند؟

در اشکور از مناطق مشهور دیلم که تا چندی پیش شبانان یا گالشهای ساکن آنجا گاهشماری کهن دیلمی را با سال درست خورشیدی، و کیسه، چهار سال یکبار یکبار میبردند، و روزها و حساب ماهها را در وقت و موسم طبیعی خود نگه میداشتند، همواره منجمان شهری و کسانی را که با حسابهای گوناگون زیجها و تقویمها در شهرها سر و کار داشتهاند، ریشخند میکرده سخنانشان را باور نداشته آنها را از گاهشماری بیخبر میشمردهاند. مثلی داشتهاند که میگوید: منجم گالش، تقیم بزی دم. یعنی: منجم واقعی گالش (= شبان کوهستان دیلم) است که دم بزش تقویم او است!

این مثل از یک داستانی گرفته شده، که بنا برآن: در یک مسابقه هواشناسی و وقتشناسی، یک میرزای منجم شهری به یک گالش (= شبان کوهی) که از روی نشانه حرکت دم بزهایش به تجربه چیزها میدانست، میبازد.

نگارنده در کوهستان لالهزار کرمان، در تابستان سال جاری (۱۳۵۶) در گفتگوهایم با چند شبان با کمال حیرت مشاهده کردم که آنها حساب سال و ماه را از روی مشاهدات مستقیم خود روی صورتهای فلکی و حرکات ستارگان تنظیم کرده و میکنند نه دفترچههای تقویمهای رنگارنگ معمول.

در پایان این اشاره را بیجا نمیدانم غیر از کتابها و کسانیکه آقای رضازاده ملک از نوشته و گفته آنها نامهای ماههای طبری را گردآورده است دیگران نیز از همین ماهها یاد کرده بودند که نویسنده از آنان نامی نبرده. چنانکه آقای علی بلوکباشی در مجله پیام نو شماره ۷۰ سال ۱۳۴۵ و آقای سید ابوالقاسم انجوی شیرازی در جلد اول کتاب (جشنها و آداب و معتقدات زمستان) چاپ ۱۳۵۲ و مجدداً آقای دکتر صادق کیا در شماره ۴۶ هنر و مردم شرحی درباره ماههای طبری نوشتهاند.

زیرنویس:

- ۱ - تقی زاده : گاهشماری ص ۲۱ .
- ۲ - پشتها ج ۱ ص ۳۲۴ - ۳۲۵
- ۳ - گاهشماری صفحات ۶۶ - ۶۷ - ۲۶۳ - ۲۶۴ - ۲۶۵
- ۴ - نگارنده در کنگره‌های اول و سوم تحقیقات ایرانی دو خطابه بنام : (گاهشماری کهن دیلمی) - (واژه‌هایی از گاهشماری کهن دیلمی) داشته‌ام که در مجموعه خطابه‌های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی - بکوشش غلامرضا ستوده ، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی چاپ ۱۳۵۴ صفحات ۳۲۵ تا ۳۳۳ و مجموعه‌سی و چهار خطابه سومین کنگره تحقیقات ایرانی . . . جلد اول بکوشش محمدروشن چاپ ۱۳۵۱ بنیاد فرهنگ ایران صفحه ۵۹۷ - ۵۹۸ چاپ شده‌اند . در این خطابه‌ها نامهای ماههای دیلمی و توضیحات کوتاهی درباره آنها بیان شده است .
- ۵ - ناصر خسرو در سفرنامه آورده : دیماه پارسیان ، ص ۳ - مرداد ماه فرس ، ص ۹ - شهریور ماه قدیم ، ص ۷ - بهمن ماه قدیم ، ص ۱۴ - اول خرداد قدیم ، ص ۱۱۶

سیاست اروپا در ایران

تألیف دکتر محمود افشار

ترجمه ضیاءالدین دهشیری

به اضمام چند گفتار جدید از مؤلف و مجموعه‌ای از اسناد و مدار که و نامه‌های چاپ شده دربارهٔ قرارداد ۱۹۱۹ به زبانهای فرانسه و انگلیسی و فارسی

از انتشارات موفوقات دکتر محمود افشار

محل فروش و پخش - سازمان کتاب - تلفن ۲۷۰۸۱۵

تجربیش - خیابان مصدق چهارراه زعفرانیه - کوچه اعتمادمقدم کوی لادن

تعداد صفحات ۶۶۶ صفحه - بها ۶۵۰ ریال